

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلیمان

۰۸ فبروری ۲۰۱۵

## ترهات بقالان «چپ» با ماسک فریبنده «مائوئیزم»

۴

«شورشگر» چرا به هیاو، دروغ و بهتان رو آورد؟ (۱)

همانطوری که می دانیم با در نظر داشت راه اصولی و انقلابی، «سازمان انقلابی» انتقاداتش را در مورد سازمان رهائی، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، سرخا، ساوو، پیکار، سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان، چپ رادیکال افغانستان و «حزب» کمونیست (مائوئیزم) افغانستان مطرح کرده است. در پهلوی اینها، انتقادات معینی به آدرس «شورشگر» نیز وارد نموده است. این انتقادات با زبان دوستانه و رفیقانه بیان شده است که محلی برای بهانه جوئی او مبنی بر فحش و دشنام نمی گذارد. اما او تا اکنون نتوانسته است پاسخ های مناسب به انتقادات «سازمان انقلابی» تهیه کند و به عوض با سگدلی تمام به هیاو، بهتان، دروغ و توطئه پرداخته، با خرت و پرت گوئی خودش را بیش از پیش بی آبرو ساخته است.

وقتی «شورشگر» نتوانست راه درست انتقاد و انتقاد از خود را بیامد، ناگزیر شد به کژراه بزند و به جای منطق و استدلال به دروغ و توطئه پناه برد. او پشت سنگر «مائوئیزم» زانو خم کرد و بدتر از همه از زنده یاد رفیق اکرم «بتی» ساخت تا در سایه و پناه او با تفنگ بادی هالندی اش ساچمه های اهانتش را به آدرس «سازمان انقلابی» باد کند. او تا توانست به زنده یاران رفیق مجید، رفیق احمد و رفیق مینا و «سازمان انقلابی» اهانت کرد و به وضوح نشان داد که چگونه سبکسرانه در خدمت دژخیمان قرار دارد و جزوی جبهه خلق نیست؛ و همین سبب شد که «سازمان انقلابی» شیوه اش را در قبال او عوض نموده، او را با ادبیات خودش ادب کند تا بفهمد که یک نان چند فطیر است!!

ماجرا از کجا آغاز شد؟ پس از آنکه «حزب» کمونیست (مائوئیزم) افغانستان نوشته ای علیه «سازمان انقلابی افغانستان» نشر کرد، «سازمان انقلابی» رساله «حزب» کمونیست (مائوئیزم) افغانستان از ورشکستگی تیوریک تا فلاکت پراتیک را به نشر سپرد که در آن انتقاداتی عنوانی «مائوئیزم های افغانستان» گنجانیده شده بود. آیا «سازمان انقلابی» محق بود که این انتقادات را مطرح کند و پاسخ بخواهد یا باید اعضاء می کرد و در بهترین حالت به ماستمالی و چونه پاشی قناعت می کرد تا خاطر لطیف «شورشگر» افکار نشود و تعارف های

«رفیقانه» او ادامه پیدا کند و گاهی هم از باتلاق و مستراح «شورش» او، انگ و اتهام جاسوس، خاین، مزدور و رویونیست و .... نخورد؟

«سازمان انقلابی» به ذلت تن نداد و در دو مرحله، انتقاداتش را بر «شورشگر» مطرح کرد که بار اول در رساله «حزب» کمونیست (مائویست) افغانستان از ورشکستگی تئوریک تا فلاکت پراتیک» درج شد. این انتقادات بر مبنای همان فورمول انقلابی «مبارزه - وحدت - مبارزه» صورت گرفته است و آنطوری که «شورشگر» ادعا می کند و دروغ می گوید با هیچ فحش و دشنام همراه نیست. این نوشته که در سرطان ۱۳۹۱ نشر شده است، انتقادات ذیل را به آدرس «شورشگر» وارد نموده است:

«موضع گیری پسیف و اپورتونیستی «مائویست های افغانستان» در مسئله انجوایزم «حزب» نشان می دهد که میان «حزب» و یاران «آشتی» صورت گرفته است، ورنه چگونه یک «مائویست» می تواند با این سادگی و معصومیت از مسئله ای به این اندازه مهم سرسری بگذرد؟ «مائویست های افغانستان» باید بدانند که اولاً، موضع گیری نوشتاری علیه انجوایزی به معنی رد انجوایزم در پراتیک نیست، ورنه سازمان رهائی در نوشتار جانبی بیش از همه ضد انجوایزی است و آن را «استفاده از تضاد میان امپریالیست ها» به خورد صفوف می دهد. ثانیاً، «حزب» ادعای «مائویست» ها را نمی پذیرد و می گوید که «هیچگاهی صاحب انجو نبوده و مسئولیت پیشبرد کارها و سازماندهی انجوائی را بر عهده نداشته است». با این نپذیرفتن، به نظر ما نیاز است که «مائویست ها» «اسنادی را که در مورد انجوایزی های آنها» دارند، بیرون بکشند، زیرا «تشبیه این مسئله از نظر سیاسی» هنوز پر معناست.»

آیا این انتقاد باید مطرح می شد یا در قبال آن سکوت و ممانعت صورت می گرفت؟ آیا این انتقاد، انتقاد کوچکی است و نباید «سازمان انقلابی» آن را مطرح می ساخت؟ مگر مسئله انجوایزم، شوخی است و نباید به آن پرداخت؟ وقتی نویسنده ای در سطح آرونداتی رای (۱) در مورد «انجو» و اینجو بازی موضع گیری می کند، چرا باید کمونیست ها در این عرصه به سکوت تن بدهند و لب های شان را بخیه بزنند؟ چرا «سازمان انقلابی» باید از کنار این مسئله مهم با بی تفاوتی می گذشت؟ مگر اینجوایزم معادل تسلیم طلبی نیست؟ اگر نه، پس چرا امپریالیست های امریکائی و ناتوئی، بدون قضا با سران «جامعه مدنی» و اینجو داران ملاقات می گذارند و فندهای میلیون دلاری در اختیارشان قرار می دهند و کنفرانسی نیست که ده ها تن آنان حضور نداشته باشند؟؟

ادامه دارد

### یادداشت:

(۱) «چرا مؤسسات بین المللی به انجوها بودجه می دهند؟ آیا این از نوع خیرخواهی مدل قدیمی میسیونرهای مذهبی (مبلغین مذهبی) است؟ قضیه کمی فراتر از این است.... سهم واقعی انجوها خاموش ساختن خشم سیاسی مردم است. آنچه را که مردم براساس حق شان باید داشته باشند انجوها به صورت خیرات و کمک می دهند.... انجویزه کردن سیاست خطری است که مقاومت را به یک شغل بانزاکت و معقول و با حقوق ماهیانه، از ساعت نه صبح تا پنج بعد از ظهر، تبدیل می کند. و گاه و بیگاه مزایائی هم اضافه می شود. مقاومت واقعی اما عواقب واقعی دارد و از حقوق ماهیانه هم خبری نیست.

انجوها با بودجه‌ای که دارند قادر اند مردمی را که می‌توانند تبدیل به فعالان جنبش‌های مقاومت شوند به استخدام خود درآورند. این مردم احساس می‌کنند که خدمت ضروری و بدیعی انجام می‌دهند (و در کنار آن درآمدی هم دارند). درحالی‌که مقاومت سیاسی واقعی به هیچ‌وجه چنین میان‌برهائی ندارد.» موضع‌گیری در سخنرانی ۱۶ اگست ۲۰۰۴